



رای ندادن به معنای مخالفت با نظام نیست

رهبری در دیدار تولیت جدید، مدیران و جمعی از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری، در سخنان کوتاهی درباره مرحله دوم انتخابات تأکید کردند: «این انتخابات بسیار مهم است و هر کس به اسلام، جمهوری اسلامی، پیشرفت کشور، بهبود اوضاع و پیر کردن خلاها علاقمند است، روز جمعه این علاقه را با مشارکت در انتخابات نشان دهد. آیت‌الله خامنه‌ای، میزان مشارکت در مرحله اول انتخابات را کمتر از حد توقع و خلاف پیش‌بینی‌ها خواندند و گفتند: «این مسئله عللی دارد که اهل سیاست و جامعه‌شناسان آنها را بررسی می‌کنند. ایشان تصور برخی‌ها را مبنی بر اینکه هر کسی در مرحله اول رأی نداده مخالف نظام است، صدرصد اشتباه خواندند و گفتند: «ممکن است عده‌ای، از برخی مسئولان و یا حتی نظام اسلامی خوششان نیاید همان‌گونه که آزادانه این حرف‌ها را می‌زنند اما این ذهنیت که هر کسی رأی نداده متصل به این افراد و این طرز فکر است کاملاً غلط و اشتباه است. «مقام رهبری افزودند: «خیلی‌ها مشکل و کار و گرفتاری دارند و یا به علل دیگر در رأی‌گیری شرکت نکردند که ان‌شاءالله در مرحله دوم اجتماع مردم پای صندوق‌های رأی، شوق انگیز و مایه‌ی آبروی نظام باشد. ایشان مشارکت مردم را پشتوانه مایه‌ی سر بلندی نظام خواندند و تأکید کردند: «هر قدر مشارکت بهتر، سریع‌تر و روشن‌تر باشد نظام برای تحقق اهداف خود در داخل و پیگیری اهداف در مجموعه امتداد راهبردی کشور، از توانایی بیشتری برخوردار خواهد شد که این مسئله فرصت بسیار بزرگی است. «مقام رهبری ابراز امیدواری کردند: «خداوند توفیق بهترین انتخاب را به مردم عنایت فرماید تا فرد منتخب بتواند اهداف نظام و ملت را محقق سازد.»



نگاه تحلیلی

يك رای تس

تحلیل و بررسی وضعیت ۶۰ درصدی ک

روند دومین دور از انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری ایران از ساعت ۸ صبح روز جمعه آغاز خواهد شد و به احتمال زیاد، تا ظهر شنبه نام رئیس‌جمهوری جدید ایران از ساختمان وزارت کشور اعلام می‌شود. نتایج دور اول انتخابات ریاست جمهوری و



فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاسی

نزدیکی آرای دو گزینه‌ای که به دور دوم رفته‌اند، در هر دو سو ولوله به پا کرده و البته مباحث سیاسی و نظری مختلفی را نیز در پی داشته است. از آن طرف جمعیت ۶۰ درصدی آنها که رای نداده‌اند، هم از جوانب مختلف مورد بحث قرار گرفته است. مسعود پزشکیان گفته که صدای

سید امیر خرم پژوهشگر سیاسی و عضو سابق نهضت آزادی:

انتخابات روز جمعه شوخی بردار نیست خطر را جدی بگیریم

که تبدیل به بدتر شود، ثانیاً بعد از مدتی فراموش می‌کنید که شما بد را انتخاب کرده‌اید و فکر می‌کنید خوب است، پس خود را موظف می‌دانید که از او دفاع کنید. تأکید می‌کنم که اصلاً اعتقاد به انتخاب بین بد و بدتر ندارم و آقای پزشکیان را هم گزینه بد نمی‌دانم، بلکه گزینه خوب است.

❖ **دلیل دیگری** که بخشی از همین افراد قائل به عدم مشارکت هستند، این است که شرکت در انتخابات ۱۴۰۳ به نوعی بی‌احترامی به کشته‌شدگان آبان ۱۳۹۸ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» است. نظرتان درباره این تحلیل چیست؟

سوالم از دوستانی که اعتقاد دارند آبان ۹۸ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» نقاط عطف تحولات اجتماعی ما به شمار می‌رود و اینها را به‌عنوان راهکار ارائه می‌دهند، این است که آیا در شرایط موجود امکان ادامه آن راهکار وجود دارد؟ اگر افرادی اعتقاد دارند که این امکان وجود دارد که همچنان مردم به کف خیابان بیایند و کشته بدهند، دلایل خود را بیاورند. اما اگر بپذیریم که در شرایط موجود امکان ادامه آن راهکارها وجود ندارد، بنابراین ماندن در آن وقایع کار غلطی است و منطبق با شرایط امروز نیست. اعتقاد من این است که نباید در آن وقایع بنایمان، اتفاقاً رای دادن امروز به آقای پزشکیان حمایت از خون‌هایی است که چه در آبان ۹۸ و چه در پاییز ۱۴۰۱ به ناحق ریخته شدند. برای اینکه مجدد آن خون‌ها به زمین ریخته نشود، ما نیاز داریم به کسی رای دهیم که در همان زمانی که نماینده مجلس بود به این وقایع اعتراض کرد، مردانه پای حرفش هم ایستاد و با درصاحت در مجلس چوب آن را هم خورد. اجازه دهید از زوایای دیگری به موضوع نگاه کنیم. وقوع این اتفاقات مثل آبان ۹۸ یعنی فشار جامعه از پایین. اگر ما معتقد باشیم که جامعه از پایین فشار می‌آورد که تحولی رخ دهد، شما نیاز دارید که در ساختار قدرت نماینده‌ای داشته باشید که این نماینده به پشتوانه فشاری که از پایین آورده می‌شود، بتواند در ساختار قدرت چانه‌زنی کند. ما تا الان این چانه‌زنی را نداشته‌ایم. آقای روحانی اهل چانه‌زنی نیستند و اینطور نبود که به پشتوانه مردم برود و خودش را با ساخت قدرت درگیر کند، بلکه سعی داشت با لابی‌های قدرت مسئله را حل کند که متأسفانه این باعث شد که نه لابی‌های قدرت و نه مردم پشتش قرار بگیرند و هر دور از دست داد ولی آقای پزشکیان می‌تواند نماینده مردم در ساخت قدرت باشد که بتواند به پشتوانه مردم چانه‌زنی کند. اگر ما آن بخش چانه‌زنی را نداشته باشیم، هر چه از پایین فشار آورده شود سرکوب خواهد شد و راه به جایی نمی‌برد. موقعی این اعتراضات می‌تواند ثمر داشته باشد که شما در ازای آن افرادی را در ساخت قدرت داشته باشید که به پشتوانه آن بتواند چانه‌زنی کند.

❖ **به‌عنوان آخرین سوال:** آینده ایران پس از انتخابات ۱۵ تیر را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ اگر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور شود چگونه پیش خواهد رفت و یا در مقابل اگر سعید جلیلی به ریاست دولت برسد، چطور می‌شود؟

این دو شکل، خیلی متفاوت خواهد بود. من هفته قبل پس از اینکه در دور اول رای دادم، در یادداشتی نوشتم که من رفتم به آقای پزشکیان رای دادم نه به امید اینکه معجزه‌ای رخ دهد،

موضوع پاسخ داده‌ام. همه جا هم سوالم از قشری که اعتقاد به عدم مشارکت دارند این بوده است که شما راه بهتری ارائه دهید. یک کنش گر سیاسی موظف است که راه حلی که به جامعه ارائه می‌دهد، واجد دو مشخصه «ممکن بودن و مطلوب بودن» باشد. یعنی هر دو این شروط را باید داشته باشد. اینکه بگوییم صرفاً ممکن باشد، نشستن و دست به هیچ کاری نزنن ممکن‌ترین راه است اما مطلوب‌ترین راه نیست. مطلوب‌ترین راه از دید خیلی از افرادی که در دور اول رای ندادند، تغییر نظام سیاسی است که ممکن نیست. من با بسیاری از این دوستان حرف زدم و از آنها پرسیدم وقتی که می‌گویید رای دادن راه مطلوبی نیست، شما راه بهتری ارائه دهید که ممکن و مطلوب باشد اما هیچ کس نتوانست به من جواب دهد و صرفاً همان شعارهای قبل را تکرار کردند و راهکاری ارائه نکردند. راهکار اجرایی ما مشخص است، می‌گوییم موقعیتی پیش آمده که باید پای صندوق برویم و از فردی حمایت کنیم که می‌تواند زبان گویای ما باشد و می‌تواند بخشی از خواسته‌های ما را اجرا و پیاده کند. متأسفانه عموم مردم دو دسته کلی هستند و من با هر دو دسته مخالف هستم. مشارکت در هر نوع انتخاباتی و یا عدم مشارکت در هر انتخاباتی هر دو غلط است. علت هم این است که مشارکت یا عدم مشارکت ابزار سیاسی است و نباید به ابزار سیاسی به‌عنوان یک استراتژی نگاه کرد. استراتژی راهبرد همیشگی است اما مشارکت یا عدم مشارکت یک تاکتیک است و نباید به آن نگاه استراتژی داشت. من همانقدر که به افرادی نقد دارم که می‌گویند تحت هر شرایطی باید پای صندوق رفت، به همان میزان به افرادی نقد دارم که می‌گویند نباید در هیچ انتخاباتی شرکت کرد، بدون اینکه هیچ راهکاری ارائه کنند. من بارها خطاب به این دسته نوشته‌ام که شعارهای شما خوب است اما سنگ بزرگ علامت نزنن است، شعار تند دادن که راهگشا نیست. از دل این شعارهای تند چیزی که در می‌آید، انفعال است. من دو سه روز پیش در اینستاگرام پستی گذاشتم و نوشتم که به ما می‌گویند پای صندوق نروید که از نظام مشروعیت‌زدایی شود. از آنها پرسیدم که اولاً در انتخاباتی که ۴۰ درصد شرکت کردند، آیا تحریم این انتخابات ایجاد بحران مشروعیت خواهد کرد؟ بحران مشروعیت در نهایت می‌تواند منجر به فقدان مشروعیت شود؟ آیا فقدان مشروعیت در نهایت می‌تواند منجر به سقوط نظام سیاسی شود؟ همینطور که نمی‌توان حرف زد. همین امروز پستی در اینستاگرام گذاشتم که پاسخی به همین هاست. نمونه‌هایی را آوردم که در این موارد جریان‌های مخالف حکومت تحریم کردند، جریان حاکم برنده شد، انتخابات از نظر کشورهای دیگر و سازمان ملل مورد تأیید قرار گرفت و خیلی راحت به قدرت رسیدند بدون اینکه دست جریان مخالف به جایی بند باشد. من تأکید می‌کنم اصلاً و ابداً اعتقاد ندارم که باید در هر انتخاباتی شرکت کرد، باید در انتخاباتی شرکت کرد که امکان انتخاب وجود داشته باشد. در انتخابات ۱۴۰۰ امکان انتخاب وجود نداشت و بنده شرکت نکردم و این موضوع را همان موقع با دلایلش گفتم، در انتخابات مجلس اخیر هم شرکت نکردم. بنابراین من از افرادی نیستم که اعتقاد به این بد و بدتر داشته باشم. من به این جمله هانا آرنه اعتقاد دارم که می‌گوید شما وقتی بین بد و بدتر انتخاب می‌کنید، اولاً به بد فرصت می‌دهید

امیدوارم جمعه همه پای صندوق بیایند برای اینکه مسئله شوخی بردار نیست. بعضی‌ها ماجرا را به شوخی گرفته‌اند، نباید با فاجعه شوخی کرد و از آن جوک ساخت. بعضی‌ها می‌گویند بدتر از این نخواهد شد. من می‌گویم بدتر از این هم امکان دارد

دو مناظره کاندیداهای راه یافته به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری انجام شد و تا ظهر شنبه رئیس‌جمهوری جدید ایران معرفی خواهد شد. در جریان انتخابات دور دوم، یکی از ابهامات مهم وضعیت رای‌های خاکستری و افرادی است که یا مردد هستند و یا می‌گویند در انتخابات شرکت نمی‌کنند. امیر خرم، عضو سابق شورای مرکزی نهضت آزادی در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است باید برای پیش‌گیری از وقوع فاجعه دست به کار شد و انتخابات روز جمعه را جدی گرفت.

❖ **در آستانه دور دوم انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم. با توجه به برگزاری دو مناظره بین دو کاندیدا، فضای سیاسی جامعه و مخصوصاً آراء خاکستری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

شرایط از دور اول خیلی شفاف‌تر شده و این به نفع آقای پزشکیان است. اگر آقایان پزشکیان و قالیباف به دور دوم می‌رفتند، به نظرم کار برای آقای پزشکیان سخت‌تر می‌شد، زیرا آقای قالیباف امتیازاتی داشت، اولاً بهتر از آقای جلیلی صحبت می‌کرد و دوماً سابقه کار اجرایی داشت، ولی الان منتهی‌الیه دو طیف سیاسی به دور دوم کشیده شده‌اند. یک نفر نماینده جریان سیاسی اصلاح‌طلب است که منتقد وضع موجود به شمار می‌رود و مثلاً درباره حجاب‌زنان و آزادی‌های اجتماعی نماینده قشر منتقد وضع موجود است. سمت مقابلش فردی است که به‌طور کامل وضعیت را تأیید می‌کند و می‌خواهد همان شیوه قبل را ادامه دهد. یعنی دو طرفی مقابل هم هستند که وضعیت‌شان واضح است. تصور من این است که با توجه به شناختی که مردم از جریان فکری که آقای جلیلی نماینده آن محسوب می‌شود، دارند؛ بخشی از قشر خاکستری تغییر عقیده می‌دهد و به مشارکت علاقمند می‌شود. من این موضوع را در تماس‌هایی که با گروه‌های مختلف داشته‌ام، مشاهده کردم که افرادی هستند که در دور اول رای نداده‌اند اما با ایجاد این دوگانه می‌گویند حالا که آقای جلیلی وجود دارد، مشارکت خواهیم کرد، چنانچه این موضوع را در سطح نخبگانی مانند آقای غنی‌نژاد و یا کیوان صمیمی هم می‌بینیم. سبدرای آقای جلیلی بعید است تغییر زیادی کند، نهایتاً بتواند یک بخش کوچکی از سبدرای آقای قالیباف را به‌دست آورد. یک بخش از سبدرای آقای قالیباف هم به سمت آقای پزشکیان می‌رود اما من معتقدم که سرمایه‌گذاری اصلی آقای پزشکیان باید روی قشر خاکستری باشد، افرادی که تا الان تمایل به عدم مشارکت داشتند. اگر این کار صورت بگیرد من امیدواری زیادی دارم که در دور دوم آقای پزشکیان برنده شوند.

❖ **در بین ۶۰ درصدی که مشارکت نکردند؛ یک عده وجود دارند که همچنان اعتقاد دارند نباید شرکت کرد و دلیل‌هایی را هم برای عدم مشارکت می‌آورند، مثلاً اینکه ما این راه را پیش از این در دور دوم خرداد و یا سال ۹۲ رفته‌ایم. این تحلیل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
من در این ایام از زمانی که تا ناید صلاحیت‌ها اعلام شد تا به الان، بالای چند صفحه در فضای مجازی مطلب نوشته‌ام و به این

نگاه پژوهشگر



خطر سعید جلیلی جدی است

یاسر میردامادی، نویسنده و پژوهشگر حوزه اندیشه، در یادداشتی تلگرامی نوشت: «بیش از ۶۰ درصد عدم شرکت در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر پیروزی بزرگی برای منتقدان جمهوری اسلامی بود. تحریم حالاً یک گزینه‌ی جدی روی میز سیاست ایران است و می‌شود حسن زد در آینده نیز چنین خواهد بود. اما اگر عدد تحریمی‌ها قدری بیشتر شده بود، حالا سعید جلیلی رئیس‌جمهور بود. برای این که پیروزی تحریم گسترده تبدیل به تلخی ریاست‌جمهوری جلیلی نشود، من تحریمی پس از تأمل بسیار با اجازه بزرگترها موقتاً ترک تحریم می‌کنم و برای دفع خطر جلیلی روز جمعه به پزشکیان رأی خواهم داد.» در بخش دیگر این یادداشت آمده است: «بگذار جلیلی رئیس‌جمهور شود تا نظام را نابود کند». این را با رأی ندادن به هاشمی در دور دوم انتخابات ۱۳۸۴ آزمونیم و حسابی پوچ از کار درآمد. بالای احمدی‌نژاد و پول سرسام‌آور نفتی که او به باد داد و قطع‌نامه‌هایی که به بار آورد، هنوز با ماست. «بگذار حکومت، یکدست، دست خود اصولگرها باشد خودشان هم توافق می‌کنند هم اقتصاد را اصلاح». این را هم با تحریم ریاست‌جمهوری سه سال پیش آزمونیم و دیدیم که این کاره نیستند. نه افای‌تی‌اف را تصویب کردند نه برجام را احیا. تورم هم سرسام‌آور بالا رفت. ترمیم رابطه با عربستان هم لرزان و فاقد قواعد اقتصادی از کار در آمد. این کاره نیستند. حتی عباس عیدی و زیدآبادی که طراح ایده «خروج از حاکمیت» بودند از این نظر بازگشته‌اند. «وی در پایان نوشت: «خطر جلیلی جدی است، لولوخر خره نیست. جلیلی را باید از روی مثلث مقتداهای فکری او شناخت: محمدتقی مصباح‌یزدی، احمد علم‌الهدی و محمد مهدی میر تقی‌زاده... مثلث مزبور دیگری‌ستیز، تنوع‌هراس، جنگ‌طلب و پوچ‌داننده رأی مردم‌اند. این جریان وقتی از مردم سخن می‌گوید، منظورش تنها طرفداران خودش است. به نکتز باور ندارد. به گشت ارشاد باور دارد. به فیلتز بنگ دورقله باور دارد (طوری فیلتز کنند که نشود بازش کرد)، سرکوب شیوه‌انهاست، سرکوب عریان نشد؛ سرکوب پنهان.»

